

خاور میانه در سال ۲۰۰۳

مشکل بتوان تصور کرد که در سال ۲۰۰۳ در منطقه پراشوب خاورمیانه گامی به سوی حل مشکلات برداشته شود. اما جمعیتی افزون بر ۲۵۰ میلیون نفر در چنان وضعیت اسفناکی به سر می‌برند که وقوع هرگونه تغییر و تحولی حتی اگر در جهت بهبودی اوضاع به نظر نرسد، محتمل است. نیمی از جمعیت جهان عرب را افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. این توده جوان رو به رشدنه از تحصیلات مناسبی برخوردارند و نه شغل کافی برایشان در نظر گرفته شده است. آنها تحت نظام‌های سیاسی زندگی می‌کنند که یا رای آنها را به حساب نمی‌آورند و یا تنها آنها را فرا می‌خوانند در انتخاباتی شرکت کنند که برای مشروعیت بخشیدن به قوانین جاری برگزار می‌شود. در میان آنها یک نوع احساس سرخوردگی همراه خشم و نفرت علیه آمریکا و غرب دیده می‌شود که نوک پیکان خطر احتمالی آن به سمت زمامداران حکومت‌هایشان تغییر جهت خواهد داد.

رویارویی نهایی با عراق لرزه برپیکره این قسمت از جهان وارد ساخته است. این لرزش به خصوص سران دولت‌هایی را که از یک سو با

مصدر در آستانه یک ناآرامی

قرار دارد، اما در این

کشور عربی مردمانی با

فرهنگ و تحصیلکرده

زندگی می‌کنند که

می‌توانند - پس از یک

خانه تکانی سیاسی - یک

نظام سیاسی بازتر و مردمی‌تر

به وجود آورند

کاهش حمایت آمریکا از آنان منزوی شده و از سوی دیگر مورد غضب ملت‌های خود قرار می‌گیرند، تکان خواهد داد. با پوشش خبری که تلویزیون هر روز از صحنه‌های زد و خورد شدید میان فلسطینی‌ها و ارتش اسرائیل ترتیب می‌دهد، امید آنکه این مشکل از راه تدبیر و گفت و گو حل شود و به تدریج کم می‌شود، تصاویر تلویزیونی استیصال ساکنان کرانه باختری و نوار غزه را آشکارا نشان می‌دهد، اما حملات فلسطینی‌ها را لاپوشانی می‌کند و عملیات نظامی اسرائیل را به باد انتقاد می‌گیرد، عملیاتی که به طور تفکیک ناپذیری با آمریکا مرتبط است. در همین حال تلویزیون ساعت‌ها به پیش برنامه‌هایی می‌پردازد که نظام

زندگی در غرب را مورد تمجید قرار می‌دهد و انگیزه جسارت بیشتر مردم را فراهم می‌سازد، اما از خواست مردم برای دستیابی به ارزش‌های مردم سالاری در غرب نمی‌کاهد. نگاهی به ایران بارقه‌ای از امید رانمایان می‌سازد. در تهران، محمد خاتمی رئیس‌جمهور اصلاح طلب تلاش خواهد کرد تا از بحران عراق بهره‌برده و با حریفان خویش مقابله کند. او گوشزد می‌کند که کشور با خطر بی‌ثباتی روبه‌رو است، مگر آنکه اصلاحات مورد نظرش را جدی گرفته و پیگیری کند. به عقیده او بهتر است فضای کشور را از هرج و مرج عاری سازیم، اما به نظر می‌رسد تندروها به شدت مقاومت خواهند کرد. ایران، که انتخابات آزاد برگزار می‌کند و طبقه متوسط، شمار کثیری از جمعیت آن را تشکیل می‌دهد، دارای بهترین شانس درخاورمیانه برای نشان دادن چهره‌ای متفاوت است.

معمردانی در لیبی، حتی بیش از سال گذشته تلاش خواهد کرد تا چهره خود را به عنوان حاکمی متحول شده بشناساند، صلح‌شکنی که برای همیشه شور انقلابی را از خود رانده است. در سوریه نیز بشاراسد جوان با احتیاط گام برمی‌دارد. او تلاش می‌کند عملکردش طوری باشد که ناراضیانی و یاس آمریکا را به همراه نداشته باشد و با فشار برحزب‌الله لبنان از افزایش تنش در مرزهای کشورش با اسرائیل جلوگیری می‌کند. در مصر حسنی مبارک که درمی‌یابد واشنگتن دیگر نسبت به دولتمردانی که در برابر سیاست‌های آمریکا مقاومت می‌کنند شکیبایی کمتری نشان می‌دهد، نگران می‌شود. شاید به نظر برسد که



مصدر آستانه یک ناآرامی قرار دارد، اما در این کشور عربی مردمانی با فرهنگ و تحصیلکرده زندگی می‌کنند که می‌توانند. پس از یک خانه تکانی سیاسی - یک نظام سیاسی بازتر و مردمی‌تر به وجود آورند.

انتظار می‌رود آل‌سعود از پناه بردن به کاخ‌های خود دست بردارند، نگرانی را از خود دور سازند و به امید روزهایی بهتر بنشینند، اما روابط به هم ریخته عربستان سعودی با آمریکا روبه‌واختم خواهد گذاشت. هراندازه احتمال حمله آمریکا به عراق تقویت شود، خارجی‌های مقیم عربستان بیشتر احساس ناامنی خواهند کرد و حمله به آنها به دفعات بیشتری رخ می‌دهد. خانواده سلطنتی سعودی در برابر حیاتی‌ترین آزمون خود قرار می‌گیرد، چرا که می‌ترسد هم از سوی آمریکا و هم از سوی مردم خود منزوی شود. اصلاحات وعده داده شده از سوی امیرعبدالله ولیعهد عربستان، با وجود درگیری‌های موجود بین بزرگان آل سعود زمینگیر خواهد شد و زیان حاصل از آن کشور را به سوی رکود اقتصادی سوق خواهد داد.

اردن با درماندگی، گرفتار بین عراق و کرانه باختری، سعی خواهد نمود جمعیت خروشان خود را که از سیاست‌های آمریکا در رویارویی با عراق و به همان نسبت در برابروضع اسفناک فلسطینی‌ها به خشم آمده‌اند، آرام کند. هراس بسیار از اخراج فلسطینی‌ها توسط اسرائیل و حملات اعضای القاعده در داخل خاک اردن، موجب می‌شود تا خاندان هاشمی در اضطراب مداوم به سر برند. در اردن هم مانند جاهای دیگر، دولت سخت‌گیری در مورد برگزاری تظاهرات را

ترجمه: علی رضا عطاءاللهی

شدت خواهد بخشید و با پیش گرفتن راه سرکوبی، احتمال درگیری‌های خشونت آمیز را افزایش می‌دهد. بیشترین خطری که غرب را تهدید می‌کند تفکری است که بر طبق آن خلع سلاح عراق را بخشی از یک جنگ سراسری علیه اسلام می‌داند، نه مقابله با تروریسم. شمال آفریقا گوشه‌ای از جهان عرب را تشکیل می‌دهد که اوضاع عراق کمترین تاثیر را بر آنجا می‌گذارد، گرچه مراکش شاهد چندین اعتراض فراگیر بر ضد جنگ خواهد بود، اما دولت تازه تأسیس با احتیاط اصلاحات اقتصادی را پیش خواهد برد.

در الجزایر بیش از آنکه در روند درگیری بین حکومت تحت نفوذ ارتش با شبه نظامیان مسلمان گشایشی حاصل شود، رکود اقتصادی محتمل‌تر به نظر می‌رسد. در سراسر جهان عرب بانگ آزادی خواهی نغمه سر می‌دهد که زمان تغییر و تحول فرارسیده است؛ در حالی که بخشی از این همصدایی از سوی عرب‌هایی است که در غرب تحصیل کرده‌اند، اما صدای اصلاح‌طلبان اسلام‌گرا از همه بلندتر خواهد بود. آنها پیش از آنکه به ندایشان گوش فرا داده شود باید منتظر

در سوریه بشاراسد جوان

با احتیاط گام برمی‌دارد

او تلاش می‌کند عملکردش

طوری باشد که ناراضیانی

ویاس آمریکا را به همراه

نداشته باشد و با فشار

بر حزب‌الله لبنان از افزایش

تنش در مرزهای کشورش

با اسرائیل جلوگیری می‌کند

بمانند تا گردد و خاک به هوا برآخاسته، در عراق به زمین بنشینند. در شرایط کنونی صدای آنها تحت‌الشعاع هیاهوی حاصل از نهضت ضد آمریکایی قرار خواهد گرفت. آمریکا نیز ممکن است جهان عرب را به گام برداشتن در جهت مردم‌سالاری فراخواند اما نفوذ کلام خود را به ظاهر از دست می‌دهد. اسرائیل به عنوان متحد آمریکا احساس امنیت خواهد کرد، اما با شروع سال نو این احساس امنیت برای آرئیل شارون نخست وزیر اسرائیل کم کم از جانب مردم خودش به چالش کشیده می‌شود. آنها به‌طور روزافزونی درمی‌یابند که سیاست‌های او کشور را به سوی یک فاجعه سوق می‌دهد.

آمریکا چگونه به ترکیه می‌نگرد؟

منبع: آسیا تایمز

ترجمه: سید رضی عمادی

نسبت به این بیانیه دچار تردید شوند. ولفویتر بعد از ملاقات با مقامات بلندپایه ترکیه به‌خصوص ژنرال‌های باسابقه گفت که حمایت ترکیه حتمی شد. بر طبق نتایج بررسی‌های مهمی که بعد از ملاقات ولفویتر به وسیله مرکز تحقیقاتی pew مستقر در واشنگتن برای مردم و مطبوعات منتشر شد، این امکان وجود داشت که یاکیش طبق نظر آن ژنرال با سابقه ترکیه افکار عمومی ترکیه را به کار نبوده باشد، بلکه همان نظر شخصی خود را مطرح کرده باشد.

بر طبق نظر سنجی انجام شده در ماه گذشته در ترکیه، ۸۳ درصد مردم مخالف حضور نیروهای آمریکایی در کشورشان برای وارد جنگ شدن با عراق هستند.

به علاوه در مقایسه با دو سوم تاییدهایی که در ۵ کشور عضو ناتو در مورد جنگ آمریکا با تروریسم به دست آمد، در یک نظرسنجی در ترکیه تنها کمتر از یک سوم ترکها جنگ آمریکا با تروریسم را تایید کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها ۴۰ درصد ترک‌ها تصویر خوبی از آمریکا دارند و این نسبت به نظرسنجی دو سال پیش یک سقوط فاحش ۲۲ درصدی دارد. مالدین آلبرایت وزیر خارجه سابق آمریکا می‌گوید که نتیجه نظرسنجی در ترکیه در روشن شدن شکاف میان آنچه که ما از رهبران کشورهای ما خواهیم که انجام دهند و چیزی که مردم از آمریکا انتظار انجام آن را دارند، کمک کرد. ولفویتر در صحبت با گزارشگران ترک در جولای گذشته گفت که «اصل چیزی را که ما عقیده داریم این است که مردم باید در تعیین سرنوشت خویش آزاد باشند که ترکیه نمونه‌ای است که نشان می‌دهد دموکراسی می‌تواند برای مسلمانان موثر باشد.»



جنگ آمریکا با تروریسم را آغاز برخورد تمدنها می‌دانند، ریچارد هاس در سخنرانی مهمی تحت عنوان دموکراسی در اسلام، پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه را دلیل وجود دموکراسی در ترکیه اعلام کرد. هاس اظهارات گل در هنگام تحویل دولت در ماه گذشته که گفته بود: «حزبش می‌خواست اثبات کند که یک اتحاد مسلمان می‌تواند دموکراتیک، شفاف و سازگار با جهان مدرن باشد» را نقل کرد. هاس گفت آمریکایی‌ها مطمئن هستند که مردم ترکیه می‌توانند همه این موارد را اثبات کنند و ما هم می‌خواهیم در انجام این امر به آنها کمک کنیم. بر طبق قانون اساسی ترکیه، پارلمان این کشور باید استقرار نیروهای نظامی خارجی در خاک ترکیه را تصویب کند، اما یک دیپلمات غربی خاطرنشان ساخت که مهمترین تقاضاهای آمریکا احتمالاً به وسیله شورای امنیت ملی ترکیه که در برگیرنده ژنرال‌های قدرتمند نظامی که دارای نفوذ

چند مرتبه اعلام کرده که حمله به عراق دولت‌های غرب منطقه را به سوی دموکراسی که سال‌هاست آن را نادیده گرفته اند سوق خواهد داد و از این دیدگاه ترکیه می‌تواند نمونه‌ای برای آنان باشد. او در طول سفرش به آنکارا خیلی با دقت سعی کرد که را نخست‌وزیر جدید ترکیه، عبدالله گل را متقاعد کند که اجازه بدهد تا دهها هزار نفر از سربازان آمریکایی از قلمرو ترکیه به عنوان سکویی پرتابی برای اشغال عراق استفاده کنند. او همچنین به صورت خیلی افراطی از دموکراسی ترکیه تمجید می‌کرد. او حتی از اردوغان رئیس‌جمهور قدرتمند حزب توسعه و عدالت ترکیه برای ملاقات با بوش در کاخ سفید دعوت کرد. این دعوت به‌رغم آن صورت گرفت که اردوغان یک مسلمان متدین و مذهبی است که در انتخابات ماه گذشته در رقابت با احزاب سکولار پیروز شد. مقامات آمریکا می‌گویند که حضور اردوغان در کاخ سفید پیامی است به آنهایی که از رویارویی واشنگتن با عراق می‌ترسند و

ترکیه جایگاه ویژه‌ای را در فرایند تصمیم‌گیری دولت بوش جهت حمله به عراق به خود اختصاص داده است. زیرا اول: ترکیه تنها کشور مسلمان است که در ناتو عضویت دارد.

دوم: ترکیه در یک اتحاد نظامی با اسرائیل در مقابل دولت‌های عرب متخاصم شرکت کرده و همین اتحاد باعث شده که جایگاه ترکیه توسط محافظه‌کاران جدید دولت بوش ارتقا داده شود. این محافظه‌کاران عالی‌رتبه مانند دیک چنی و دونالد رامسفلد به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی دولت بوش در کاخ سفید حضور دارند. در واقع رئیس‌بخش سیاست دفاعی وزارت دفاع، ریچارد پرل، و معاونش داگلاس فیت به عنوان لابی‌های پشتیبان ترکیه کار کرده‌اند و همچنین به حزب لیکود اسرائیل دوباره پیشنهاد ۵ سال پیش ایجاد محور اسرائیل - اردن - ترکیه را توصیه کرده‌اند که به طور دائمی تعادل قدرت در خاورمیانه را تغییر خواهد داد.

ترکیه بخش فوق العاده ارزشمندی از عراق را در صورت حمله احتمالی به عراق به خود اختصاص خواهد داد. هنگامی که ضربه و فشار اصلی از هر حمله زمینی آمریکا تقریباً به صورت خاصی از کویت آغاز شود، مزیت‌های ایجاد یک جبهه دوم در شمال به‌طور اساسی برای طراحان نظامی آمریکا مهم و ضروری است، لذا ترکیه می‌تواند در شمال عراق یک کشور موثر باشد.

چهارم: باین واقعیت که ترکیه انتخابات منظمی برگزار می‌کند و از یک حداقل نهادهای رسمی دولت دموکراتیک برخوردار است، باعث می‌شود کار آمریکا راحت‌تر باشد.

پل ولفویتر معاون وزیر دفاع آمریکا

گورستان دیپلمات‌ها

منبع: اکو نومیست



اگرچه نشست اتحادیه اروپا در کپنهاگ با موفقیت به پایان رسید، اما هیچ گونه توافقی در رابطه با کشور قبرس (بخش ترک نشین) صورت نپذیرفت. آیا تا قبل از خاتمه ضرب‌الاجل تعیین شده تا ۲۸ فوریه توافقی بر سر اتحاد مجدد این جزیره از جانب اعضای اتحادیه صورت می‌گیرد؟ نشست گسترش اتحادیه اروپا در کپنهاگ امیدهایی را در قلب EU زنده کرد. ازده کشوری که عمدتاً از اروپای مرکزی بودند، به‌طور رسمی دعوت به عمل آمد تا در سال ۲۰۰۴ به EU بپیوندند. بحث عضویت ترکیه به زمان دیگری موکول گردید. اگرچه این زمان تعیین شده بیشتر از زمان مورد انتظار ترکیه بود. و ترکیه بعد از مدت تعیین شده می‌تواند نسبت به عضویت خود در EU مذاکره نماید.

در نشست‌های فرعی کپنهاگ اعضای اتحادیه توافق کردند تا ارتش EU را برای اولین بار در بالکان مستقر کنند. در میان رخ داده‌های نشست کپنهاگ یک شکست دیپلماتیک بروز کرد: عدم توافق بر سر زمان طولانی و نامشخص طرح سازمان ملل برای اتحاد مجدد جزیره مدیترانه‌ای و جدا شده قبرس.

قبرس از زمان تهاجم ترکیه در ۱۹۷۴ در پاسخ به تلاش یونانی تبارهای قبرس جهت کودتا که از جانب دولت آتن حمایت می‌شدند، به دو بخش یونانی و ترک تقسیم شد. این جزیره یکی از بزرگترین عوامل تنش در بحث روابط ترکیه و EU و عنصر ثابت مناقشه بین ترکیه و یونان به‌شمار می‌رود. به‌رغم این واقعیت که جمعیت آن حتی از جمعیت شهرهای حومه استانبول فزونی نمی‌کند. حدود چهار پنجم جمعیت ۷۵۰ هزار نفری این جزیره را یونانی تبارها تشکیل می‌دهند و در جنوب «خط سبز» تحت نظارت سازمان ملل که جزیره را به دو بخش تقسیم می‌کند زندگی می‌کنند و بقیه جمعیت آن در شمال این خط ترک‌تبارها هستند که از جانب ۳۰ هزار سرباز ترکیه حمایت می‌شوند.

فعالیت‌های دیپلماتیک متعددی قبل از نشست کپنهاگ با امید به دستیابی به یک توافق انجام گرفت. سازمان ملل طرح اتحاد مجدد این جزیره را مطرح کرد و قبل از آغاز نشست آن را مورد بازنگری قرارداد. هدف از این طرح مذاکرات به ریاست «آلوارودی سوتو» میانجی سازمان ملل در قبرس بود تا همزمان با اختتامیه نشست در سیزدهم دسامبر به یک توافق دست یابند. ترکیه تنها کشوری است که جمهوری قبرس را به رسمیت می‌شناسد و مصرانه در جست و جوی توافقنامه است، زیرا این توافق ترکیه را بیش از پیش قادر خواهد ساخت تا اهداف خود دست یابد، اما «نوف دنکتاش» رهبر نامی و سازش ناپذیر ترک تبارهای قبرس به جهت جراحی قلب قادر به شرکت در نشست نبود، اما همچنان روحیه جنگ‌طلبی خود را حفظ می‌کند. او در جریان برگزاری نشست ابراز کرد: اتحادیه اروپایی علاقه دارد تا عضویت ترکیه را به تعویق بیاورد و دولت قبرس را قادر سازد قدرت را در این جزیره به دست بگیرد و چیزی را همچون دژ مسیحیت در اطراف ترکیه احداث کند.

سازمان ملل و اتحادیه اروپا ضرب‌الاجلی را برای توافق در ۲۸ فوریه تعیین کرده‌اند.

کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل از رهبران هر دو طرف خواست تا با امضای توافقنامه‌ای خود را متعهد کنند تا بعد از نشست به توافق برسند. ترکیه همانند سازمان ملل همچنان امیدوار است.

«فراکهارد» سخنگوی سازمان ملل روز جمعه گذشته اعلام کرد هر دو طرف «هرگز به همدیگر نزدیک» نبوده‌اند.

در صورت تحقق این توافق، قبرس قادر خواهد بود در سال ۲۰۰۴ به عنوان یک عضو واحد به EU ملحق شود. اتحادیه اروپا پیش از این اعلام کرده است در صورت شکست این توافق آمادگی دارد تا تنها بخش یونانی را به رسمیت بشناسد و مردم فقیر ترک تبار قبرس را در کوران حوادث رها کند.

(بخش یونانی قبرس یکی از ده کشوری بود که برای شرکت در نشست کپنهاگ دعوت شد) اگر این امر تحقق می‌یافت مردم یونانی تبار قبرس به احتمال قریب به یقین سال‌ها با عضویت ترکیه به مخالفت می‌پرداختند.

مانع اصلی در پیشبرد توافق دنکتاش، پیرمرد ۷۸ ساله است. او الحاق قبرس به ترکیه را در قالب یک مصالحه ترجیح می‌دهد (نتیجه احتمالی در صورت عدم وجود توافق) که توافقات دردناکی را در بر دارد. او اپوزیسیون را به نفع خود تشکیل داد تا با بعضی از بخش‌های نفوذپذیر نیروهای مسلح ترکیه به توافق برسد. دیپلمات‌های اروپایی بیشتر مصرانه از دولت جدید ترکیه که در ماه گذشته در انتخابات پیروز شد خواستند تا دنکتاش را تحت کنترل خود در آورند.

او همچنین توسط ساکنان بخش‌های بزرگی از قبرس شمالی مورد انتقاد قرار گرفت. در این مناطق از عضویت قبرس در EU به‌طور گسترده حمایت می‌شود و بخش اندکی از مردم در حمایت از مصالحه اصرار می‌ورزند.

«مهمت علی طلعت» رهبر حزب اپوزیسیون طرفدار مصالحه در ۱۶ دسامبر خواستار انتخاب پیش از موعد و برکناری دنکتاش شد.

اگر ترکیه پروبال دنکتاش را ببندد، دیگر این ترس وجود نخواهد داشت تا برنامه زمانی کشور برای آغاز مذاکرات برای جلب توجه اتحادیه اروپایی به منظور عضویت در EU در صورت بلاتکلیف ماندن موضوع قبرس با این بیست مواجه شود، اما دلایل خوبی برای اینکه چرا قبرس به گورستان دیپلمات‌ها، معروف شده است، وجود دارد.

قربانی اخیر «ریچارد هالبروک» بود که پیش از این نظرات بر عقد قرارداد صلح در بوسنی را برعهده داشت. اقدامات فراوانی وجود دارد که باید تا ماه فوریه صورت پذیرد.